



فصل پنجم

دولت داور به جای بازیگر

در صنعت پتروشیمی ایران، دولت همه‌کاره است: <

هم بزرگ‌ترین سهامدار است، هم بزرگ‌ترین دریافت‌کننده سود اجباری. هم ارز صادراتی را با نرخ دستوری می‌خرد.

نتیجه این بازی چندجانبه چیست؟ شرکتی که سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان سود می‌سازد، بعد از تقسیم سود اجباری و تسعیر ارز دستوری، حتی یک ریال برای توسعه یا نوسازی ندارد. سرمایه‌گذار خصوصی که هیچ، حتی هلدینگ‌های نیمه‌دولتی هم دیگر جرأت نمی‌کنند پول واقعی وارد صنعت کنند؛ چون می‌دانند سودشان از قبل مصادره شده، خوراکشان هر زمستان قطع می‌شود و قوانین‌شان هر فصل عوض می‌شود.

دولت هم گاز را می‌دهد، هم نفس را می‌گیرد.

هم مالک است، هم تنظیم‌کننده، هم مصرف‌کننده سود.

تا وقتی این چرخه ادامه دارد، خصوصی‌سازی فقط یک شوخی روی کاغذ است و رقابت‌پذیری جهانی، یک آرزوی محال.

اگر قرار است پتروشیمی ایران روزی واقعاً چهارم جهان شود، اول باید رابطه‌اش با دولت روشن شود:

یا دولت فقط حامی باشد، یا فقط مالک. چون تا وقتی هم بازیکن است و هم داور، زمین بازی هیچ‌گاه برای هیچ‌کس صاف نخواهد شد. ▶

